۲. وجوب تخییری

- به «یصیر» بگیریم[1] یعنی مقلد یا مجتهد بشود

همین را عرض میکنم که اگر ثبوتی باشد این اشکال مطرح میشود که تحت اختیارش نیست. اگر آن وجه بخواهد باشد که «أن یصیر» یعنی باید برود زمینه اش را فراهم کند، و این مقداری از عبارت دور میشود.

بیان مستمسک

«أن یصیر مقلّداً» اگر معنا کنیم که آن طور باشد باز هم آن یک وجوبی میشود وجوب مردّد تخییری؛

که ظاهراً مرحوم آقای حکیم که فرمودهاند: «**الوجوب التخییری المذکور**[2]»، «**کون**» را هم به این معنا زدهاند و الاّ وجوب تخییری نیست. «**یجب علی کل ملکف أن یکون**»، ایشان گفتهاند: هر شخصی مخیّر بین سه حالت است؛ یا مجتهد باشد یعنی خود را به اجتهاد برساند، یا مقلّد باشد یعنی تقلید بکند یا احتیاط بکند. وجوب تخییری مذکور را ایشان به وجوب تخییری تعبیر کردهاند.

اشکال بر کلام مستمسک

اگر به «**کون**» و خود آن ها بخورد که وجوب تأخیری سر نمیرسد، چون در وجوب تخییری مکلّفش یک نفر است، وجوب تخییری برای کیست؟ مثلاً وجوب تخییری بین خصال کفّارات، میگویید من بین اطعام ستّین و صوم شهرین و عتق رقبه مخیرم، این وجوب تخییری میشود، این جا که «**یجب علی کلّ مکلّف أن یکون مجتهداً أو مقلّدا أو محتاطاً**» چطور شما میگویید تخییری باشد؟ ما در این جا که یک مکلّف نداریم. یعنی یک مکلّف مخیّر است بین این که یا مجتهد یا مقلد یا محتاط باشد؟ سه تا مکلّف هستند. در وجوب تخییری یک مکلّف است و مخیّر بین سه کار است.

---

[1] کلام یکی از دوستان حاضر در جلسه درس

[2] (۱) الوجوب التخييري المذكور من قبيل وجوب الإطاعة، فطري بمناط وجوب دفع الضرر المحتمل، حيث أن في ترك جميع الابدال احتمال الضرر. و عقلي بمناط وجوب شكر المنعم. و لأجل ذلك اختص بصورة احتمال التكليف المنجز، فمع الغفلة عن التكليف، أو احتمال التكليف غير الإلزامي، أو الإلزامي غير المنجز، لم يجب شيء من ذلك، لعدم احتمال الضرر في تركها، و لا هو مما ينافي الشكر الواجب.(مستمسک العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶)

بازبینی #1
ایجاد شده 13 مارس 2025 13:21:05 توسط ... .
به روزرسانی شده 13 مارس 2025 13:21:44 توسط ... .